

بررسی فقهی

حج کودکان



دکتر ولی الله ملکوتی فر

استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد سبزوار

اعظم السادات کوشکی

علی حمزه

دانشجویان کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد سبزوار

چکیده

حج یکی از مهم‌ترین و شکوهمندترین عبادت‌های اسلامی است و قرآن کریم تارک آن را کافر شمرده است. پیامبر گرامی خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حج را پایه و رکن دین دانسته‌اند. مسائلی را که کودکان در ایام حج باید نسبت به آن اهتمام ورزند، بسیار ظریف و دقیق است و عدم آگاهی از اعمال حج، کودکان را با مشکلات عدیده روبه‌رو می‌کند. پژوهش حاضر برای بررسی اعمال عبادی کودکان، به‌ویژه در باب حج، سامان یافته و به بررسی آیات و روایات و نیز اقوال علمای شیعه پرداخته است. حج صبی از نظر صحت و مشروعیت و حتی ترتب ثواب، فرقی با حج افراد بالغ ندارد و تنها در بعضی از احکام، مانند عدم کفایت حج او از حجة الاسلام (در صورت عدم بلوغ قبل از احد الموقفین) با آن‌ها تفاوت دارد.

کلیدواژه‌ها: اعمال حج، حج کودکان، عبادت.

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ * فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا...﴾. (آل عمران: ۹۷ - ۹۶)

«نخستین خانه‌ای که برای مردم (و نیایش خداوند) قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه است، که پر برکت، و مایه هدایت جهانیان است. در آن، نشانه‌های روشن، (از جمله) مقام ابراهیم است و هر کس داخل آن [خانه خدا] شود در امان خواهد بود...»

تمام احکام و دستورات الهی دارای مصالح و اهداف و نتایج قطعی و ارزشمند است. بر مبنای تفکر شیعی، هر حکمی، حکمت و علتی دارد و هر قانون الهی مصالح و منافعی را دنبال می‌کند.

براساس آنچه از روایات و تجارب محسوس و عینی استفاده می‌شود، حج اهداف عرفانی، عبادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی فراوانی دارد.

تربیت عبادی کودکان اهمیت خاصی در نظام آموزشی و تربیتی اسلام دارد. تحقیقات نشان می‌دهد بسیاری از افرادی که در بزرگسالی نسبت به عبادات سستی از خود نشان می‌دهند، بی‌اعتقاد به دین و تکالیف دینی نیستند بلکه عواملی چون بی‌توجهی و یا عدم تقلید کودکان در انجام عبادات در کودکی و ناآگاهی آنان از فلسفه و اهمیت عبادات و... در این زمینه نقش دارند.

از مهم‌ترین ابعاد تربیت دینی در دوره کودکی، تربیت عبادی است. این نوع تربیت که شامل پرورش بُعد معنوی و ایجاد زمینه ارتباط با خداوند است، بسیار مورد تأکید پیشوایان دین می‌باشد؛ به طور کلی، تربیت عبادی، بُعدی از تربیت دینی است که کودکان را با اعمال و تکالیف عبادی آشنا و آنان را با انگیزه راسخ مکلف به انجام آن می‌کند. تربیت عبادی، دنباله و مکمل تربیت اعتقادی است و تربیت اعتقادی بدون آن، بار ارزشی ندارد؛ زیرا لازمه شناخت یک دین عمل به آموزه‌های آن است.

در باب حج نیز پیشوایان دینی ما از به همراه بردن طفل به حج اعراض ننموده و حتی به آن عمل هم کرده‌اند. در زمینه تشریف حضرت علی بن الحسین علیه السلام به حج، در حال کودکی، دو روایت وجود دارد که «ابراهیم بن ادهم» و «فتح الموصلی» این قضیه را نقل کرده‌اند (مجلسی اول، دوم، ۱۴۱۴ق. / ج ۴۶، ح ۳۳ و ص ۹۱، ح ۷۸، دوم، ۱۴۰۳ق.). و جابر بن عبدالله گوید:

«زنی در حج، فرزند خردسال خود را خدمت پیامبر ﷺ بلند کرد و پرسید: یا رسول الله! آیا این هم حج دارد؟ فرمود: آری! و تو پاداش می‌بری.»^۱

از این روایت استفاده می‌شود که همراه بردن کودک نه تنها اشکالی ندارد بلکه برای والدین او به سبب زحمت و مشقتی که برای حج طفل انجام می‌دهند، ثواب و پاداش از جانب حضرت حق در نظر گرفته شده است؛ زیرا کودکان در تقلید و یادگیری مفاهیم و مسائل دینی و عبادات، آمادگی بیشتری در مقایسه با دیگر رفتارها و موضوعات دارند و به حتم، حج بردن طفل، اثرات روحی و روانی بسزایی در کودک بر جا می‌گذارد.

آموزش عبادات به فرزندان در سیره و کلام معصوم علیه السلام

از مهم‌ترین عوامل بی‌توجهی کودکان به تکالیف عبادی، افزون بر آگاهی نداشتن از فلسفه و اثرات عبادات، بی‌توجهی و یا نبود تقید و اهتمام خود والدین نسبت به انجام به موقع تکالیف عبادی است. با بررسی برخی از روایات تربیتی، درمی‌یابیم که اسلام به تربیت دینی فرزندان؛ به‌ویژه تربیت عبادی تأکید زیادی کرده است تا کودکان به مراحل عالی کمال راه یابند. برای تحقق این هدف و علاقه‌مند کردن کودکان به فراگیری و انجام تکالیف عبادی، باید اقدام‌های لازم و مقتضی را از همان دوران کودکی به عمل آورید. به این ترتیب، با برنامه‌ریزی دقیق سعی شود مطالب دینی و عبادی مورد نیاز و ضروری را به صورت ساده و قابل فهم به کودکان آموزش داد و آنان را به انجام اعمال و پای‌بندی به آن تشویق کرد.

آموزش عبادات واجب (همچون نماز، روزه و حج) برای کودک از ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است. اگر چه کودکان در سنین شش تا نه سالگی به حد تکلیف نرسیده‌اند و چیزی بر آن‌ها واجب یا حرام نیست ولی اسلام برای آشنایی و انس با عبادت و احکام و مراسم مذهبی و آگاهی از شیوه‌های بندگی به پدران و مادران دستور داده که فرزندان خود را به عبادت وادارند. هدف ائمه علیهم السلام این نیست که این عمل با خشونت باشد

۱. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِرُؤَيْثَةَ وَ هُوَ حَاجٌّ فَقَامَتْ إِلَيْهِ امْرَأَةٌ وَمَعَهَا صَبِيٌّ لَهَا، فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيْحُجُّ عَنْ مِثْلِ هَذَا؟ قَالَ: نَعَمْ وَلَكِ أَجْرُهُ». (طوسی، الاستبصار، ج ۲، ص ۱۴۷، اول، ۱۳۹۰ ق. / تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۷، چهارم، ۱۴۰۷ ق؛ علامه حلی، منتهی‌المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۱۰، ص ۵۵، اول، ۱۴۱۲ ق.)

بلکه باید این کار از راه تشویق و راه‌های دیگر صورت بگیرد؛ زیرا کودک به‌طور فطری خدا را دوست دارد. دنیای او دنیای عشق و محبت به خداوند سبحان است. دنیای احترام به خدا و ستایش و نیایش است. کودک دوست دارد نماز بخواند، روزه بگیرد، حتی دوست دارد خدا را ببیند؛ زیرا او خداوند بزرگ را مانند پدر و مادر خود تصور می‌کند. کودکان همواره در جستجوی خدا هستند و این فطرت پاک و بیدار کودک، فرصت خوبی است برای عبور و ورود به دنیای عبادت.

امیر مؤمنان علیه السلام خطاب به امام حسن مجتبی فرمود:

«قلب جوان همچون زمین خالی است، هر بذری در آن پاشیده شود، می‌پذیرد. بنابراین، من پیش از آن که قلب تو سخت شود و عقل و فکرت به امور دیگر مشغول گردد، در تعلیم و ادب مبادرت ورزیدم.» (نهج البلاغه، ص ۳۳۷؛ حرّعاملی، ج ۲۱، ص ۴۷۸، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.)

واجبات

عبادت و بندگی هدف آفرینش و مایه کمال انسانی است. در این میان، واجبات مهم‌ترین و اصلی‌ترین راه رسیدن به کمال‌اند؛ به گونه‌ای که به دلیل وجود مصلحت فراوان، به هیچ روی ترک آن جایز نیست. بنابراین، آموزش آن به انسان در سنین کودکی ضروری است. از میان واجبات به عباداتی می‌پردازیم که معصومان انجام آن‌ها را به کودکان نیز سفارش کرده‌اند؛ مانند: نماز، روزه و حج.

علی علیه السلام فرمود: «عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ الصَّلَاةَ»؛ نماز را به کودکان بیاموزید. (حرّعاملی، ج ۱۵، ص ۹۷، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.)

نماز

یکی از وظایف اصلی پدر و مادر اهمیت دادن به نماز فرزند است. آنان موظف‌اند که فرزندان خود را از دوران کودکی با نماز آشنا کنند و به آنان بیاموزند که نماز یاد خدا و کلید بهشت است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نماز را وجه دین معرفی کرده، سفارش می‌کنند: «مواظب باشید کسی از شما آبروی دینش را ضایع نکند!» «نویسنده کتاب «الجعفریات» می‌نویسد: «محمد به نقل از موسی و او به نقل از ابوعبدالله و ایشان نیز به نقل از پدر و پدر به نقل از جدّ خود، جعفر بن محمد و وی به روایت از جدش علی بن الحسین علیه السلام از پدرش و ایشان نیز

به نقل از علی بن ابی طالب علیه السلام گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر چیزی وجهی و صورتی دارد و وجه دین شما نماز است. پس هیچ یک از شما چهره دین را زشت و خدشه دار نسازد و هر چیزی شروعی دارد، و شروع نماز تکبیر است. (نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ۱۴۰۸ق. ج ۳، ص ۲۶؛ ابن اشعث، ص ۳۹، اول، بی تا؛ حرّعاملی، ج ۴، ص ۲۴ و ج ۶، ص ۱۲).
از این رو، نماز باید در سنین کودکی به فرزندان آموزش داده شود تا در هنگام تکلیف کاملاً آماده اقامه آن باشند.

روزه

روزه، از عبادات مهمی است که خداوند آن را برای پالایش بدن، احساس گرسنگی و تشنگی و جلوگیری از شهوت‌ها و خواهش‌های نفسانی و پرورش اراده واجب ساخته است.
امام باقر علیه السلام نیز در همین مضمون می‌فرماید: «ما کودک‌ان خود را، وقتی پنج ساله‌اند، به نماز امر می‌کنیم؛ ولی شما کودکانتان را وقتی هفت ساله شدند، به نماز می‌خوانید. ما کودک‌ان خود را وقتی هفت ساله‌اند به روزه وامی‌داریم، به اندازه‌ای که توان دارند؛ نصف روز باشد یا بیشتر یا کمتر، وقتی تشنگی و گرسنگی به آن‌ها چیره شد، افطار می‌کنند تا این که به روزه عادت کنند و توان آن بیابند. ولی شما کودکانتان را وقتی نه ساله شدند به اندازه‌ای که توان دارند، به روزه وادارید و وقتی تشنگی بر آنان چیره شد، افطار کنند. (مازندرانی، اول، ۱۴۲۹ق. ج ۴، ص ۱۲۵؛ طوسی، ج ۱، ص ۴۰۹، اول، ۱۳۹۰)

حج

در خصوص فضیلت بردن کودک‌ان به حج، جابر بن عبدالله روایت می‌کند: «زنی در حج فرزند خردسال خود را خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله بلند کرد و پرسید یا رسول الله این هم حج دارد؟ فرمود: آری و تو پاداش می‌بری.»
«زراره از امام باقر یا امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: «هرگاه کسی کودک خردسال خود را به حج آورد، به او دستور دهد که لبیک گوید و حج را واجب کند. اگر خوب نتوانست لبیک بگوید: از طرف او لبیک گوید و او را طواف دهد و از طرف او نماز بخواند. گفتم چیزی ندارد که قربانی کنند. فرمود: از جانب کودک‌ان قربانی کنند و بزرگ‌ترها روزه بگیرند و کودک را از آنچه بر محرم حرام است، از لباس و بوی خوش پرهیز دهند و اگر صیدی را کشت کفاره‌اش بر پدر است. (محمدی ری شهری، ص ۳۱۴، اول، قم، ۱۴۲۸ق.)»

عبدالرحمان بن حجاج گوید:

«در آن سال ما مجاور مکه بودیم و روز ترویبه (هشتم ذی‌حجه خواستیم احرام ببندیم) از امام صادق علیه السلام پرسیدم: همراه ما فرزند خردسالی است، حضرت فرمود به مادرش بگویید با حمیده (همسر حضرت) دیدار کند و از او بپرسید که با کودکانش چه کند. آن زن رفت و از حمیده پرسید. حمیده پاسخ داد: چون روز ترویبه شد کودک را عریان کنید. غسلش دهید؛ همان‌گونه که محرم عریان می‌شود. پس، از طرف او احرام ببندید. او را در موقوف‌ها و قوف دهید. روز عید قربان از طرف او به جمرات سنگ بزنید و سرش را بتراشید. پس او را به زیارت خانه خدا ببرید و به خدمتکار بگویید او را در خانه خدا، بین صفا و مروه طواف دهند.» (محمدی ری‌شهری، ص ۳۱۵، اول، ۱۴۲۸ق. / طوسی، ج ۵، ص ۴۱۰، ح ۱۴۲۵، چهارم، ۱۴۰۷ق.)

دیدگاه فقهای امامیه در خصوص حج کودکان

فقیهان عالی‌قدر شیعه در این باره سه نظریه مهم آورده‌اند که عبارت‌اند از:

۱. عبادات کودک مشروعیت دارد؛

۲. عبادات کودک حالت تمرینی دارد؛

۳. عباداتش صحیح است اما مشروعیت ندارد.

دیدگاه اول؛ انجام عبادات از سوی کودکان نابالغ مشروع است؛ البته الزامی به انجام واجبات یا ترک محرمات از سوی مولی نیست. پس در نتیجه باید بگوییم در حق ایشان، همچون مندوبات است و محرمات نیز در خصوص ایشان همچون مکروهات می‌باشد؛ به عبارات دیگر، احکام تکلیفی در خصوص کودکان نابالغ به سه دسته تقسیم می‌شود: واجبات، مستحبات که مندوبات هستند و محرمات و مکروهات که برای کودک نابالغ جزو مکروهات هستند؛ زیرا هیچ‌گونه وجوب و یا حرمتی در حق کودکان نیست و اما در خصوص مباح، که برای این کودکان همچنان بر اباحه خود باقی است. بنابراین، تکالیف منحصر در حق ایشان در سه دسته است: مستحب، مکروه و مباح. (مدنی کاشانی، ج ۱، ص ۵۵، سوم، ۱۴۱۱ق.)

دیدگاه دوم؛ عبادات در مورد کودکان صرفاً جنبه تمرینی داشته و دارای هیچ مشروعیت یا استحبابی نیست که در این صورت کودک در قبال انجام عبادات، پاداش و ثوابی دریافت نمی‌کند؛ به عبارت دیگر، خطابی از طرف مولا متوجه ایشان نیست؛ نه وجوبی است، نه مستحبی، نه تحریمی و نه تنزیهی و کودک نابالغ ممیز که برخوردار از

شعور و ادراک است، حال و شرایطش از این جهت شبیه حال کودک غیر ممیز است و اما خطاب‌هایی که متوجه اولیای این کودکان است، در خصوص دستور دادن این کودکان به اقامه نماز و گرفتن روزه است قبل از این که به سن بلوغ شرعی برسند و این تنها برای تمرین است نه این که والدین و اولیای کودکان به آن‌ها دستور بدهند که نماز بخوانند و روزه و سایر اعمال عبادی را مثلاً به خاطر مصلحتی که در نفس نماز یا آن محل عبادی دیگر وجود دارد انجام دهند، بلکه به آن‌ها (والدین و اولیا) دستور داده شده که کودکان را امر به خواندن و اقامه نماز و گرفتن روزه و سایر اعمال عبادی کنند تا تمرین نمایند و عادت کنند که پس از رسیدن به سن بلوغ شرعی، ارائه و انجام این اعمال عبادی بر ایشان سخت و دشوار نباشد. پس این گونه نیست که امر و دستور دادن اولیا به کودکان نابالغ جهت انجام اعمال عبادی قبل از رسیدن به بلوغ شرعی، داخل در این مسأله باشد که «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْأَمْرِ بِالشَّيْءِ» باشد؛ یعنی از بالا دستور گرفته‌اند که به آن‌ها دستور بدهند، کار عبادی انجام دهند.

دیدگاه سوم؛ شارع مقدس کودکان نابالغ را هم مانند افراد بالغ به این عبادات دستور داده است، اما امر و دستورش نسبت به انجام این عبادات به خاطر مصلحتی است که در خود آن عبادات برای کودک وجود دارد و به همین خاطر اگر کودک نابالغ مستطیع حج به جا آورد، از حجة الاسلام کفایت نمی‌کند و این نیست جز به خاطر عدم مصلحت در حج او. بلکه خداوند به ایشان دستور داده است که در خصوص کودکان نابالغ حج فقط نوعی تمرین باشد. ولی همین تمرین دارای پاداش خواهد بود. بنابراین، مستحب بر این کودکان نابالغ، همان تمرین دادن بر عبادات است.

تطبیق دیدگاه‌های سه‌گانه در خصوص وضعیت عبادات کودکان نابالغ (صبی)

در مقایسه بین دیدگاه اول و دوم، این نتیجه به دست می‌آید که: بنابر قول و دیدگاه اول، جایز است کودک نابالغ در عمل عبادی‌اش برای شخص دیگر اجیر شود و مزد بگیرد یا این که عمل عبادی را بدون اجرت انجام دهد تا نوعی تبرع برای او باشد؛ چرا که عمل او واجد مصلحت تامه بوده و بدون هیچ‌گونه نقص و ایراد می‌باشد. نهایت امر، شارع مقدس به طور مطلق الزام را به خاطر لطف و رحمت بر ایشان و از باب رفق و امتنان به آن‌ها از این کودکان نابالغ ساقط نموده و رفع کرده است. بنابراین، رفع تکلیف الزامی از ایشان همانند رفع، در باب حرج است. بنابراین، اگر این عمل عبادی را انجام دهد و حرج و سختی آن را تحمل کند، عملش صحیح بوده و در نزد صاحبان این قول و نظریه، عمل او مجزی می‌باشد و اما

بنابراین قول، صحیح نیست که کودک از سوی شخص دیگری نایب گرفته شود نه با اجرت و کارمزد و نه بدون اجرت؛ زیرا عمل او فقط به حسب شکل ظاهری عبادت محسوب می شود، در حالی که روح عمل وجود ندارد. بنابراین، جایز نیست که این قبیل کودکان نابالغ برای انجام عمل عبادی اجاره شوند و نیز ذمه و دین عبادی یک میت در خصوص اعمالی که از او فوت شده و باید قضا شود، به واسطه اجاره یا نیابت یک کودک نابالغ؛ خواه با مزد باشد خواه بدون مزد، بی فایده است و صحیح نمی باشد و انجام این اعمال فوت شده توسط کودک نابالغ، از عهده میت ساقط نمی شود.

از آنچه گفتیم، وجه افتراق میان قول اول و دوم آشکار می شود و بنابر قول دوم، به طریق اولی صحیح نیست که کودک نابالغ، نایب از شخص دیگر شود؛ زیرا بنابر قول سوم، برای عمل عبادی او مصلحت تمرین وجود دارد و هرچند که در خود عبادتش از نمازش و روزه اش و حجش اصلاً مصلحت و ملاکی موجود نبوده است.

و اما بنا بر قول دوم، نه خطاب و نه ملاکی، حتی ملاک تمرین موجود نیست. اما تفاوت بین قول دوم و سوم در این است که بنابر قول دوم، مصلحت تمرین در متعلق امر اولیا است. پس شارع مقدس آن ها را دستور داده است که نسبت به تمرین فرزندان شان اقدام کنند. بنابراین، ثواب و پاداش این تمرین، برای ایشان؛ یعنی اولیای کودک نابالغ است؛ زیرا این اعمال عبادی برای کودکان مستحب است و نه ربط و نه ملاک و نه خطابی برای کودکان نابالغ در شرع مقدس وارد نشده است؛ زیرا خطاب شارع مقدس به اولیای آن ها بوده است و خطابی به خود کودکان در قرآن نیست. (مدنی کاشانی، سوم، ۱۴۱۱ق. / ج ۱، ص ۵۷).

و اما بنابر قول سوم، مراد خداوند کودکان نابالغ است، البته نه به ملاک در عبادات ایشان بلکه ملاک در عادت دادن ایشان به انجام عبادات است و گر نه نفس عبادتی که آن را انجام می دهند صرفاً صوری است و فقط شکل عبادت را دارد. (فاقد روح عبادی است)

اما دیدگاه سوم که قول و دیدگاه مختار و برگزیده همان قول اول است در بین فقهای امامیه قول مشهور شمرده شده است. شیخ طوسی در المبسوط آورده است: «هرگاه کودک نیت روزه کند، روزه او صحیح است و روزه او روزه کامل شرعی خواهد بود. (طوسی، ج ۱، ص ۲۷۸، بی تا، ۱۳۸۷) و نیز در کتاب نهاییه می فرماید: مستحب است که کودکان به روزه گرفتن وادار شوند، اگر کودک به نُه سال رسید و طاقت روزه گرفتن داشت، گرچه روزه گرفتن بر او واجب نیست. (طوسی، ص ۱۴۹، بی تا).

در کتاب تذکره نیز آمده است: نماز کودکان مشروعیت دارد و مشهور همین نظریه را اختیار کرده اند. (علامه حلی، ج ۲، ص ۳۳۱، اول، ۱۴۱۶ق.). در بخش صوم (روزه) می فرماید:

هیچ خلافتی بین علما، در مشروعیت روزه کودکان وجود ندارد. سپس می‌فرماید: قول بهتر آن است که روزه کودکان مشروعیت دارد و از نظر شرعی صحیح است و نیت روزه از طرف آنان صحیح است البته باید نیت استحباب کند. (علامه حلی، ج ۲، ص ۳۳۱، اول، ۱۴۱۶ق.).

محقق حلی می‌نویسد: نیت کودک ممیز صحیح است و روزه او مشروعیت دارد. (محقق حلی، ج ۱، ص ۱۸۸، دوم، ۱۴۰۹ق.) شهید اول نیز در کتاب‌های خود مشروعیت روزه کودک را پذیرفته و آن را مستحق ثواب و پاداش دانسته است. (شهید اول، ص ۲۶، اول، ۱۴۱۱ق.) / شهید اول، ج ۱، ص ۲۶۸، بی تا) صاحب حدائق نیز نیت کودک ممیز را صحیح و عبادت او را شرعی می‌داند. (بحرانی، ج ۱۳، ص ۵۳، تحقیق: محمدتقی ایروانی، بی تا).

شهید ثانی مشروعیت نماز کودک را پذیرفته و نیت او مبنی بر وجوب یا استحباب، به انتخاب خودش دانسته است. (شهید ثانی، ج ۱، ص ۵۷، اول، ۱۴۱۰ق.) همچنین در باب روزه کودک می‌فرماید: روزه کودک ممیز شرعی است، دروس نیز بر همین مطلب تصریح کرده است؛ زیرا صحت به معنای تمامیت عمل بر وفق امر شرعی است. بنابراین، مشروعیت نیز دارد. (شهید ثانی، ج ۲، ص ۱۰۲-۱۰۱، اول، ۱۴۱۰ق.) البته خود شهید ثانی سپس در مشروعیت روزه کودک تردید کرده و قول بر عدم مشروعیت را بیان کرده است. (شهید ثانی، ج ۲، ص ۱۰۲-۱۰۱، اول، ۱۴۱۰ق.).

فروع فقهی حج کودکان

الف: حج ممیز

آیات فراوانی درباره شرایط اعمال و احکام حج وجود دارد. آیات حج را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. اصل وجوب حج؛ آل عمران: ۹۷-۹۶؛ حج: ۲۷-۲۵
۲. افعال حج؛ بقره: ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۵۶ و ۲۰۳-۱۹۶؛ فتح: ۲۷
۳. احکام و توابع؛ مائده: ۲، ۹۴-۹۷؛ حج: ۳۰-۲۰؛ بقره: ۱۲۸-۱۲۶ که اطلاق برخی از آن‌ها شامل صبی نیز می‌شود. ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ (آل عمران، ۹۷) اطلاق وجوب در این آیه علاوه بر مکلفین، شامل افراد نابالغ هم می‌شود و روایتی نیز بر این مطلب دلالت می‌کند: «الْحُجُّ عَلَى النَّاسِ جَمِيعًا، كِبَارِهِمْ وَ صِغَارِهِمْ...» (حرعاملی، ابواب وجوب حج، باب ۲، اول، ۱۴۰۹ق.) ولی اگر قائل به عدم مشروعیت عبادات صبی شویم، هیچ یک از اعمال حج بر او مستحب نیست.

اما به دلایل خاص؛ از جمله شرطیت بلوغ در وجوب تکلیف افراد نابالغ، از اطلاق آیه و حدیث خارج می‌شوند و اجماع علما و فقها مؤید این مطلب است.

فاضل هندی می‌گوید: «چون صبی هنوز بالغ نشده، لذا حج بر او واجب نیست و اگر حجی هم به جا آورد، از باب تمرین خواهد بود و بر این سخن دو دلیل اقامه می‌کند: یکی اجماع علما و دیگری روایات.» (فاضل هندی، ج ۵، ص ۷۲، ۱۴۹، اول، ۱۴۱۶ق.)

مرحوم نراقی گفته است: «یکی از شرایط وجوب حج، بلوغ و عقل است. پس بر صبی حج واجب نیست.» ایشان به اجماع و حدیث رفع القلم تمسک جسته است.

شهید اول هم بر این مطلب تأکید ورزیده که چون صبی شرط وجوب حج؛ یعنی بلوغ را ندارد، پس حج بر او واجب نیست. (عاملی (شهید اول)، کتاب الدروس، ج ۱، ص ۳۰۶)

شیخ طوسی نیز گفته است: «الصبي الذي لم يبلغ، قد بينا أنه لا حج عليه، ولا ينعقد.» (طوسی، ج ۱، ص ۳۲۸، سوم، ۱۳۸۷ق.)

و در حدیث موثق از اسحاق منقول است که گفت: از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام پرسیدم از پسر ده ساله، که حج می‌تواند کرد؟ فرمود: در این سن حج بکند، حجة الاسلام بر او واجب می‌شود، بعد از آن که محتمل شود و هم چنین اگر دختری پیش از بلوغ حج کرده باشد، بعد از آن که حیض شود و بالغ شود حجة الاسلام می‌کند هر گاه مستطیع باشد یا مستطیع شود. (مجلسی اول، ج ۸، ص ۱۱۷، دوم، ۱۴۱۴ق.)

و چنانچه کودک غیر ممیز باشد در این صورت کودک در هر عملی از اعمال حج و عمره که انجام می‌دهد، اگر قادر به ارائه و انجام آن باشد باید انجام دهد و در مواردی که قادر نیست به شکل مستقل آن مناسک را انجام دهد، باید با یاری و کمک گرفتن از ولی خود آن عمل عبادی را به جای آورد. (کلینی، ج ۴، ص ۲۷۶، چهارم، ۱۴۰۷ق.)

ب: حج صبی صحیح است.

علما بر این نظرند که حج صبی صحیح است و حتی گروهی ادعای اجماع کرده‌اند. علامه حلی در «منتهی» و «تذکره» آورده: «احرام صبی صحیح است.» (اسدی حلی، ج ۱۰، ص ۵۴، اول، ۱۴۱۲ق.)

ملاً احمد نراقی نیز قائل به صحت و حتی استحباب حج است. وی در مقایسه حج صبی

و صبی می‌نویسد:

«کان حجّ الصبیه بنفسها كحجّ الصبی مستحباً». (نراقی، ج ۲، ص ۱۵۵، اول، ۱۴۱۸ ق.)
 و نیز می گوید: کسی که دارای یکی از شرایط حج نیست ولی مانعی هم از انجام حج ندارد؛ مانند عبد مآذون و فقیر و صبیّ ممیز، مستحب است که به حج برود. روشن است که استحباب ملازم با صحّت است. وقتی عملی استحباب داشته و ثواب بر آن مترتب شود، به یقین صحیح خواهد بود. ایشان سه دلیل برای صحت حجّ صبی اقامه می کنند:
 الف) اجماع ب) عمومات الحجّ و أفعاله فإنّها شاملة الصبی أيضاً ج) روایات. (نراقی، ج ۱۱، ص ۱۵ و ۱۵۷، اول، ۱۴۱۸ ق.)

بنابراین، بر بچه ممیز مستحب است حج رفتن و حج او صحیح است.
 زنی از پیامبر خدا ﷺ درباره حجّ صبی پرسید که آیا او می تواند حج به جا آورد یا می توان برای او حج انجام داد؟ حضرت فرمودند: بله و برای تو نیز پاداشی هست. (طوسی، ج ۲، ص ۱۴۷، اول، ۱۳۹۰ ق.)

در این روایت برای مادر بچه ثواب مقرر شده و این بیانگر آن است که حجّ صبی صحیح است و گرنه ترتب ثواب برای عمل غیر صحیح معنا ندارد. از سوی دیگر این عمل در منظر پیامبر خدا ﷺ و با امر ایشان انجام شده است که خود دلالت بر صحت این عمل می کند، (محسن اراکی، میقات الحج، ش ۲، ص ۱۹۷).

در روایتی تظلیل برای کودکان و زن ها در حال احرام جایز شمرده شده است؛ «عن ابی عبد الله علیه السلام قال: «لَا بَأْسَ بِالْقُبَّةِ عَلَى النِّسَاءِ وَ الصِّبْيَانِ وَ هُمْ مُحْرَمُونَ». (صدوق، ج ۲، ص ۲۲۶، دوم، ۱۴۰۴ ق. / طوسی، ج ۵، ص ۳۱۲، چهارم، ۱۴۰۷ ق. / حرّعاملی، اول، ۱۴۰۹ ق. / ج ۱۲، باب ۶۵).
 این روایت می گوید: احرام بچه صحیح است و گرنه سؤال از تظلیل در این جا لغو خواهد بود. نتیجه این که بر صبی جایز است که احرام ببندد و حج وی مشروع و صحیح می باشد.

پ: میقات صبی

«عَنْ أَيُّوبَ أَخِي أُدَيْمٍ، قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ أَيْنَ يُجْرَدُ الصِّبْيَانُ؟ فَقَالَ: كَأَنَّ أَبِي يُجْرَدُهُمْ مِنْ فَخٍّ». (صدوق، ج ۲، ص ۴۳۳، دوم، ۱۴۰۴ ق.)

منقول است از ایوب بن حر، برادر ادیم بن حر، که گفت: از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند: اطفال را از کجا برهنه باید کرد و جامه احرام پوشانید؟ حضرت فرمودند: پدرم اطفال را از چاه فخر که آن، در یک فرسخی مکه است از راه مدینه مشرفه برهنه می کردند و جامه احرام می پوشاندند.

زراره به نقل از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام روایتی آورده است که فرموده‌اند:

«هرگاه شخصی فرزند خردسال و نا بالغ خود را به حج برد، باید به او دستور دهد که لبیک بگوید و نیت حج کند. پس اگر او به نیکی و درستی لبیک نگفت، پدرش به نیابت از او و از جانب وی لبیک بگوید و او را طواف دهد و به جایش نماز (نماز طواف) به جا آورد. عرض کردم این کودک استقلال مالی (و استطاعت) ندارد تا قربانی کند و پدر و مادرش نیز استطاعت ندارند تا برای کودک خردسالشان قربانی کنند، حکم چیست؟ حضرت فرمودند: اگر والدین استطاعت مالی ندارند که به نیابت از آن‌ها قربانی کنند، یک روز تمام، بزرگان آن‌ها (ولی آن‌ها) به جایشان روزه بگیرند (که این کفایت از قربانی حج می‌کند) و نیز ولی آن‌ها باید تمام اعمال و پرهیزها و ملاحظاتی را که یک حاجی محرم بالغ انجام می‌دهد، برای این کودکان کم سن و سال و نابالغ رعایت کند؛ از عدم استفاده از بوی خوش، لباس‌ها... و اگر هم کودک خردسال صیدی را بکشد، کفاره بر عهده ولی او می‌باشد.» (صدوق، ج ۲، ص ۴۳۳، دوم، ۱۴۰۴ق. / صدوق، ج ۲، ص ۴۳۳، دوم، ۱۴۰۴ق.؛ موسوی عاملی، ج ۷، ص ۲۴، اول، ۱۴۱۱ق.؛ مجلسی اول، ج ۸، ص ۱۱۲، دوم، ۱۴۱۴ق.)

ت: احرام صبی

محرم کردن طفل و بردن او برای عمره، مستحب است. بنابراین، افرادی که کودکان خود را برای زیارت همراه می‌برند، اگر بخواهند آنان را محرم کنند باید کمال دقت را داشته باشند تا تمامی اعمالشان را به طور صحیح انجام دهند و با ناقص بودن اعمال مشکلی در آینده برای آنان پیش نیاید.

در شرح فروع کافی نیز در مورد احرام صبیان چنین آمده است:

«کودک ممیز خودش محرم می‌شود و تلبیه را می‌گوید و دوری می‌کند از محرّمات احرام؛ مانند دیگران و انجام می‌دهد دیگر افعال را که به او تعلیم داده شده است به اذن ولی‌اش و غیر ممیز را ولی‌اش محرم می‌کند و تلبیه را به او امر می‌کند تا بگوید و دیگر افعال را تا جایی که بتواند انجام دهد ولی اگر نتوانست، ولی طفل، خود تلبیه را به نیابت از کودک می‌گوید و طواف می‌کند برای او و کودک را از محرّمات باز می‌دارد.» (مازندرانی، ج ۴، ص ۵۷۱، شرح فروع کافی، اول، ۱۴۲۹ق.)

بر ولی مستحب است که کودک را حج بدهد و از محمد بن فضیل نیز روایتی است که گفت: «از ابا جعفر علیه السلام پرسیدم: درباره کودک که چه وقت محرم می‌شود؟ حضرت

فرمودند: هرگاه دندان شیری اش بریزد و دندان تازه و دائمی در آورد. (صدوق، ج ۲، ص ۴۵۳، دوم، ۱۴۰۴ق.؛ مجلسی اول، ج ۵، ص ۴۱، دوم، ۱۴۰۶ق.).

و این کار همچنان که در عرف عام معمول است، در هفت سالگی اتفاق می افتد و نیز حضرت علی علیه السلام فرموده اند: کودک در هفت سالگی دندان تازه در می آورد و در نه سالگی سفارش و دستور به نماز می شود و در ده سالگی بستر و خوابگاهش از کودکان دیگر جدا می شود. (مجلسی دوم، ج ۱۵، ص ۶۳، اول، ۱۴۰۶؛ ملاذالاخیار، ج ۱۵، ص ۶۳؛ طوسی، ج ۹، ص ۱۸۳، چهارم، ۱۴۰۷ق.). در نظریه استحباب به حج بردن کودک نابالغ، اختلاف نظر و آراء وجود دارد؛ شاید سرمنشأ این اختلاف نظریه آن است که لفظ احرام در برخی از روایات با حرف جر «ب» که برای متعدی کردن فعل لازم است، آمده و در برخی دیگر از روایات این لفظ با حرف جر «عن» به کار رفته است؛ مثلاً در برخی روایات آمده است: «یحرم عنه»، که مقصود و مراد از آن، این است که ولی کودک به جای او و به نیابت از او مُحرم شود و در برخی روایات عبارت «یحرم به» آورده اند؛ یعنی به خود کودک آموزش داده شود تا با تلقین و آموزش ولی احرام ببندد و برای این احرام بستن به شکل مطلق، حد و حدودی وجود دارد، در غیر این صورت، باید خود ولی به نیابت از کودک خردسال احرام ببندد. (مدنی کاشانی، ج ۱، ص ۳۲، سوم، ۱۴۱۱ق.).

خلاصه بحث در این جا این شد که مسلماً بعد از رسیدن به سن اثغار (سن ریزش دندان شیری) کودک خردسال خودش قادر به احرام بستن خود است؛ هر چند که این احرام بستن، به تلقین و آموزش ولی باشد و در سن قبل از اثغار (یعنی قبل از هفت سال) بنا به فرمایش امام علی علیه السلام در اغلب موارد خودش قادر به احرام بستن خودش نیست، پس ولی کودک یا نایب او، به نیابت از کودک خردسال احرام می بندد. (مدنی کاشانی، ج ۱، ص ۳۲، سوم، ۱۴۱۱ق.).

ج: طواف

ولی طفل باید کودک را طواف دهد. یکی از شرایط صحت طواف، وضو داشتن است. پس، هرگاه ولی خواست بچه را طواف دهد، صورت وضویی به بچه بدهد و او را به طواف وادارد که خود بچه طواف کند، هر چند واداشتن بر راه رفتن باشد؛ یعنی بچه را امر به طواف کند و به آن وادارد، هر چند به عنوان راه رفتن باشد؛ یعنی یک وقت بچه را امر به طواف می کند و می گوید: طواف کن، در صورتی که بچه معنای طواف را می فهمد تا خودش طواف کند و یک وقت بچه را امر می کند به راه رفتن و می گوید راه برو، در صورتی که بچه معنای طواف را

نمی‌فهمد. خلاصه این که لااقل او را وادارد به راه رفتن که صورت طواف است. تا به این عنوان او را حرکت دهد برای طواف؛ زیرا بچه بدون تحریکِ ولی، حرکت برای طواف نمی‌کند و این مقدار که صورت طواف باشد کفایت می‌کند و دیگر لازم نیست ملاحظه سایر کیفیات طواف را برای بچه بکند، همان‌طور که صورت وضو دادن برای بچه کفایت می‌کند و لازم نیست سایر خصوصیات و کیفیات وضو را برای او ملاحظه کند؛ زیرا بچه بدون تحریکِ ولی حرکت نمی‌کند و یا این که براند بچه را و این دو گونه است:

۱. عقب بچه را بگیرد و طوافش دهد.

۲. سوار بر مرکبش کند و آن را براند یا این که بچه را بکشد و این هم دو نوع است:

الف) دست بچه را بگیرد و بکشد و طوافش دهد.

ب) سوار بر مرکبش کند و طواف دهد و یا برایش نایب بگیرد و یا خودِ ولیّ به نیابت

از بچه طواف کند. (قاروبی تبریزی، ج ۶، ص ۱۹، اول، ۱۴۰۹ق.).

در حال طواف باید بدن و لباس کودک پاک باشد.

اگر بچه‌های کوچک در حال طواف یا سعی به خواب روند و یا در قنடை خود بول کنند، حج آنها صحیح است. در طواف دادن کودک به طواف واجب، مراعات طهارت از حدث و خبث اعتبار ندارد، لیکن همان‌طور که در مناسک آمده، وقتی که می‌خواهند طفل را طواف دهند واجب است او را وضو دهند. (تبریزی، استفتائات جدید حج، ص ۱۴)

پرسشی که در اینجا پیش می‌آید این است: آیا کسی که طفل را طواف می‌دهد، باید

اول طواف او را انجام دهد و بعد طواف خودش را یا با هم نیز می‌شود؛ یعنی تداخل؟

آقا یا خانمی که حج به‌جا می‌آورد، هنگام احرام، هم برای خود نیت می‌کند هم برای بچه و لازم نیست به‌طور مستقل برای بچه باشد و بعد خودش محرم شود و یا اول خودش محرم شود و بعد بچه را محرم کند. همین که بچه همراه اوست و نیتش هم نیتِ دوگانه و نیتِ تداخلی، می‌گوییم این حج با نیت، هم حج خودش می‌شود هم حج بچه‌اش و می‌تواند بچه را محرم کند. البته محرم تداخلی؛ یعنی در حال واحد، هم خودش محرم می‌شود و هم بچه را محرم می‌کند و این طواف، طوافِ تداخلی است.

از روایات هم که فرموده‌اند: «می‌توانی بچه‌ات را محرم کنی» به خوبی استفاده می‌شود

در حالی که خودت محرم می‌شوی، بچه‌ات هم همراهت محرم شود و فقط نیت کند.

ختنه در مردان یکی از شرایط صحت طواف است و همچنین است پسر بچه نابلغ؛

خواه ممیز باشد، یعنی خوب و بد را تشخیص دهد و خود محرم شود یا غیر ممیز که به خاطر

کوچکی او را محرم کنند.

امام خمینی در این مورد چنین می‌فرماید: «طواف کننده باید ختنه شده باشد و احتیاط آن است که اطفال نیز آن را رعایت کنند. بنابراین، اگر طفل ختنه نشده‌ای به امر ولی خود محرم شود و یا ولی او محرمش کند، احرامش صحیح است ولی طوافش بنا بر احتیاط صحیح نیست. پس اگر به احرام حج محرم شده، بنا بر احتیاط زنها بر او حرامند وقتی حلال می‌شوند که طواف نساء را ختنه شده انجام دهد و یا شخص را برای طوافش نایب بگیرد و اگر طفلی ختنه شده به دنیا آمده باشد طوافش صحیح است. (خمینی، روح الله، ج ۲، ص ۲۲۷، چهارم، ۱۴۰۳ق.).»

ح: نماز طواف

در صورتی که سن بچه کمتر از شش سال باشد ولی دو رکعت نماز طواف را عوض بچه بخواند و اگر سن بچه شش سال و بیشتر بود، به خود بچه امر کند که نماز را بخواند و چون در این صورت قدرت بر انجام نماز را دارد و فقها گفته‌اند مستحب است بچه شش ساله را تمرین بر نماز دهند و اگر بچه کمتر از شش ساله را امر کند بر این که صورت نمازی را به‌جا آورد، گرچه بدون نیت باشد، نیکوست. (قاروبی تبریزی، ج ۶، ص ۱۹، اول، ۱۴۰۹ق.).

آیت الله فاضل: در اعمالی که نیاز به وضو دارد، احتیاطاً طفل را وضو بدهد و خودش هم وضو بگیرد. (همان.)

خ: طواف نساء

از اعمال و مناسک مهم در حج، طواف نساء است. اهمیت آن به قدری است که در صورت به‌جا نیاموردن، حاجی دیگر نمی‌تواند ازدواج کند و اگر همسر داشته باشد، همسرش بر او حرام خواهد شد و تا زمانی که آن را به‌جا نیامورد این حکم همچنان باقی خواهد ماند.

در این میان، آنچه مهم است حج صبی است. با این که انجام اعمال حج بر صبی مستحب است، آیا طواف نساء بر او واجب است؟ و آیا او نیز همچون افراد بالغ، باید تمام اعمال حج را انجام دهد؟

در مورد وجوب طواف نساء بر صبی، همه علماء (غیر از یک نفر) اتفاق نظر دارند. شهید اول در دروس گفته است: «طواف نساء واجب است ولی با ترک آن حج باطل نمی‌شود اما زن هم بر او حلال نمی‌گردد و حکم خصی و خنثی و صبی نیز چنین است؛ «و یلزم به الصبی الممیز، و يطوف الولي بغير المميز، و لو ترکاه وجب قضاؤه كما يجب علی غیرهما،

و یحرم علیهما النساء بعد البلوغ و یمنعان من الاستمتاع بالحلائل قبل البلوغ». (شهید اول،

ج ۱، ص ۴۰۴، دوم، ۱۴۱۷ ق. / سبحانی، ج ۵، ص ۳۱۵، اول، ۱۴۲۴ ق.)

صاحب جواهر می نویسد: عده‌ای تصریح کرده‌اند اگر صبی طواف نساء را ترک کند، زن بر او بعد از بلوغش حرام خواهد شد؛ چرا که احرام بستن سبب حرمت زنان می‌شود و این حکمی وضعی است و احکام وضعیه تنها اختصاص به مکلفین ندارد بلکه شامل غیرمکلفین هم می‌شود، پس همان‌طور که احرام سبب حرمت می‌شود، طواف نساء نیز سبب حرمت می‌گردد. ایشان در ادامه چنین توضیح می‌دهند. حدیث رفع تنها حکم تکلیفی را برمی‌دارد و کار به حکم وضعی ندارد. همچنین حرمت نساء از آثار حکم وضعی ترک طواف نساء است، لذا رفع نمی‌شود. (نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام، ج ۱۹، ص ۲۶۰، بی‌تا.)

ایشان نظر نهایی خود را این‌گونه بیان می‌کند: «و کیف کان فهو أي طواف النساء لازم للرجال و النساء و الصبیان و الخصیان و الخنثائی بلا خلاف معتد به أجده فیه...».

(نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام، ج ۱۹، ص ۴۱۰، بی‌تا.)

اما در میان فقهای معاصر تنها مرحوم آیت الله خوئی به مخالفت برخاسته و قول عدم وجوب طواف نساء بر صبی را ترجیح داده است. ایشان می‌گویند: ظاهر آن است که با ترک طواف نساء زن بر او حرام نمی‌شود؛ زیرا دو نوع حکم بر احرام بار می‌شود:

۱. حکم وضعی؛ مانند بطلان عقد در حال احرام: از شرایط عقد آن است که در حال احرام عقد بسته نشود، لذا از این جهت فرقی میان بالغ و غیربالغ وجود ندارد؛ زیرا احکام وضعیه تنها به بالغین اختصاص ندارد پس اگر صبی در حال احرام عقد نکاح ببندد صحیح نخواهد بود.

۲. حکم تکلیفی؛ مانند ترک تقبیل و ترک لمس با شهوت: این‌ها احکام تکلیفی محض هستند و این نوع احکام از آغاز در حق صبی ثابت نیست تا این که گفته شود با طواف نساء این محذورات نیز برطرف می‌شود؛ چون شرط حکم تکلیفی بلوغ است. پس، وقتی محرم مکلف نباشد در واقع چیزی بر او حرام نخواهد بود. پس وی می‌تواند مرتکب آن‌ها شود. بنابراین، حرمت ترک طواف نساء، از احکام مختص بالغین بوده، لذا صبی با ترک آن حجت صحیح است و زن بر او حرام نمی‌شود. (خوئی، ج ۲۹، ص ۳۶۱، اول، ۱۴۱۸ ق.)

بنابراین، اگر کودک ممیز اعمال حج را انجام دهد ولی سهواً یا جهلاً طواف نساء را به جا نیاورد و آنگاه بخواهد بعد از بلوغ ازدواج کند، زنان بر او حلال نبوده و حتی عقد کردن آن‌ها نیز حلال نیست مگر این که خود یا نایبش انجام دهد. (موسوی شاهرودی، ج ۱، سوم، ۱۴۲۸ ق.)

د: قربانی کردن برای بچه

معاویه بن عمار از ابو عبدالله رضی الله عنه نقل کرده که فرمود: «حضرت سیدالساجدین رضی الله عنه چاقو را به دست کودک می‌دادند و دست خود را بر بالای دست کودک گذاشته و حیوان را سر می‌بریدند.» (صدوق، ج ۲، ص ۴۳۴، دوم، ۱۴۰۴ق.)

و نقل است در موثق، از سماعه که گفت: «از آن حضرت در مورد شخصی پرسیدم که غلامان خود را امر کند که حج تمتع کنند. حضرت فرمودند: بر او لازم است که هدی به ایشان دهد تا بکشند. عرض کردم: به ایشان دراهم داد که گوسفند بخرند و بکشند؛ بعضی قربانی کردند و بعضی زر را نگاه داشتند و روزه گرفتند. حضرت فرمودند: از ایشان روزه مجزی است و اگر همه را بدل از هدی می‌فرمود که روزه بگیرند، از ایشان مجزی بود و از آخر حدیث ظاهر شد که به هدی بر سبیل استحباب است و در موثق کالصحیح و قوی کالصحیح علی بن ابی حمزه امر به ذبح از ایشان شده است و بر سبیل استحباب مؤکد است و احوط آن است که قربانی را ترک نکنند.» (علامه حلی، محقق: مجمع البحوث الاسلامیه الفقه، ج ۱۰، ص ۵۸، اول، ۱۴۱۲ق./ مجلسی اول، ج ۵، ص ۴۱، دوم، ۱۴۰۶ق.)

گوسفند قربانی بر عهده ولی طفل است. آیت الله فاضل: اگر تمکن نداشت از طرف طفل روزه بگیرد؛ چنانچه خود ولی نیز حج تمتع انجام داده و فقط تمکن از یک قربانی دارد آن را برای طفل قربانی کند... (مناسک محشی، پاورقی، ص ۲۸)

بنابراین، هزینه قربانی کودک بر عهده ولی اوست ولی این حکم برای کودکی که بدون اجازه و اذن ولی خود به حج رفته، شامل نمی‌شود.

ذ: بلوغ جنسی قبل از احدالموقفین

در برخی روایات، در خصوص عبد و مملوک آمده است: اگر قبل از وقوف به مشعر یا عرفات آزاد شود، در این صورت حج او کفایت از حجة الاسلام کرده و لازم نیست بعداً حجة الاسلام به جا آورد.

«در باره بنده‌ای که در روز عرفه آزاد می‌گردد، حکم چیست؟ حضرت فرمود: هرگاه یکی از دو موقف را درک کند، حج را درک کرده است.» (حرعاملی، ج ۱۱، ص ۵۲، چاپ اول، ۱۴۰۹ق./ حرعاملی، ج ۵، ص ۱۹، اول، ۱۴۱۲ق./ مجلسی اول، ج ۵، ص ۳۷، دوم، ۱۴۰۶ق.)

و نیز در روایتی به طور مطلق بیان شده است: اگر کسی مشعر را درک کند، حج را درک کرده است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ رضی الله عنه مَنْ أَدْرَكَ الْمُشْعَرَ فَقَدْ أَدْرَكَ الْحَجَّ». (بروجردی (بحر العلوم)، ج ۱، ص ۱۸۸، اول، ۱۴۲۷ق./ حرعاملی، ج ۱۴، ص ۴۲، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.)

در اینجا این سؤال به ذهن می‌رسد که اگر صبی نیز همچون مملوک، قبل از احدالموقفین بالغ شود، آیا حج وی کفایت از حجة الاسلام می‌کند (با توجه به این که حج او هنگام شروع، ندبی بوده است) و آیا «مَنْ أَدْرَكَ الْمَشْعَرَ فَقَدْ أَدْرَكَ الْحَجَّ...» شامل صبی می‌شود و می‌توان صبی را به مملوک ملحق کرد و از مملوک الغاء خصوصیت نمود و حکم مملوک را بر صبی نیز جاری ساخت؟

فقها در این مسأله با هم همداستان نیستند و چند قول از سوی آنان مطرح شده است. عده‌ای چنین حجی را کافی می‌دانند. گروهی نیز راه احتیاط را پیش گرفته و قائل به اعاده حج گشته‌اند و گروه سوم در تردید مانده‌اند.

مرحوم علامه حلی در تحریر الاحکام بعد از مشروط کردن احرام صبی به اذن ولی می‌گوید اگر او قبل از احدالموقفین کامل و بالغ گردد این حج وی کفایت از حجة الاسلام می‌کند (علامه حلی، ج ۱، ص ۱۲۵، محقق: بهادری، ۱۳۷۸) و در تذکره نیز بر این امر تأکید کرده است. (علامه حلی، ج ۷، ص ۴۲۱، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.)

شیخ طوسی، صاحب جواهر، شهید اول، حکیم و نیز امام راحل رحمته الله همین قول را پذیرفته و تصریح کرده‌اند که بلوغ قبل از احدالموقفین سبب اجزای حج صبی است و کفایت از حجة الاسلام می‌کند و وجوب حجة الاسلام از ذمه و عهده وی برداشته می‌شود. (طوسی، ج ۱، ص ۲۹۷، ۱۳۸۷ش. / نجفی، جواهر الکلام، ج ۷، ص ۲۳۴، بی تا. / طباطبایی، ج ۱۰، ص ۲۹، مستمسک عروة الوثقی، بی تا. / خمینی، روح الله، ج ۱، ص ۳۴۸، چهارم، ۱۴۰۳ق.) اما گروهی دچار تردید شده نتوانسته‌اند موضوع مشخصی اتخاذ کنند. شهید ثانی می‌گوید این که حج چنین فردی کفایت از حجة الاسلام کند محل تردید است. (شهید ثانی، ج ۲، ص ۱۲۳، اول، ۱۴۱۳ق.) همچنین مرحوم علامه در منتهی، ادعای تردید کرده گرچه در نهایت قول اجزاء را پذیرفته است. (علامه حلی، ج ۱۰، ص ۵۹، محقق: مجمع البحوث الاسلامیه الفقه، بی تا.) گروهی دیگر قائل به احتیاط شده و اعاده آن را لازم دانسته‌اند.

صاحب ریاض می‌گوید: حجت و دلیلی که قابل اعتنا باشد نیافتیم. پس احوط آن است که بعد از استطاعت اعاده کند. (طباطبایی، ج ۶، ص ۲۲، اول، ۱۴۱۲ق.) نراقی نیز می‌گوید احوط بلکه اظهر آن است که اعاده نماید. (نراقی، ج ۱۱، ص ۲۲، اول، ۱۴۱۸ق.) حکیم هم بعد از این که به جواب از ادله اجزاء پرداخته، گفته است: احوط بلکه قول قوی آن است که بعد از مستطیع شدن اعاده کرده دوباره حج بجا آورد. (طباطبایی، ج ۱۰، ص ۲۹، مستمسک عروة الوثقی، بی تا.)

دلایل قول به اجزاء و کفایت

کسانی که حج چنین فردی را مجزی می‌دانند و قائل شده‌اند که حج وجوبی از گردن وی ساقط می‌شود به دلایل ذیل تمسک کرده‌اند:

۱. روایاتی را که در خصوص عبد و مملوک وارد شده، الغای خصوصیت کرده، آن را سرایت به هر فردی می‌دهند که قبل از احدالموقفین کامل می‌شود. (نجفی، جواهرالکلام، ج ۱۷، ص ۲۳۰، بی تا.) به این صورت که ملاک در اجزای کمال قبل از رسیدن به احدالموقفین است و فرقی نمی‌کند که این کمال با بلوغ حاصل شود یا با عتق و حریت، لذا صبی را نیز شامل شده و حج او مجزی از حجة الاسلام خواهد بود. (طباطبایی، ج ۱۰، ص ۲۹؛ مستمسک عروة الوثقی، بی تا؛ خویی، ج ۲۶، ص ۳۲، اول، ۱۴۱۸ق.)

۲. اطلاق روایت «مَنْ أَدْرَكَ الْمُشْعَرَ فَقَدْ أَدْرَكَ الْحُجَّ» شامل صبی نیز می‌شود. (نجفی، جواهرالکلام، ج ۱۷، ص ۲۳۰، بی تا.)

۳. بر اجزای چنین حجی اجماع شده است؛ علامه در تذکره ادعای اجماع نموده، گوید: «هرگاه کودک نابالغ قبل از وقوف به مشعر به بلوغ رسد و در آنجا وقوف کند یا در عرفه، در حالی که آزاد شده است و بقیة ارکان حجش را انجام داده باشد، در این صورت حجش کفایت از حجة الاسلام می‌کند.» (حلی، ج ۷، ص ۳۸، چاپ اول، ۱۴۱۶ق./ فرطوسی حویزی، ص ۵۹، دوم، ۱۴۱۶ق.)

۴. همان‌طور که اگر صبی بعد از نماز ظهر بالغ شود، اقوی این است که اعاده بر او واجب نیست، در حج نیز این گونه است و همان‌گونه که ماهیت نماز ظهر قبل از بلوغ یکسان است، در حج نیز چنین است. ماهیت حج ندبی صبی قبل از بلوغ با حج واجب او بعد از بلوغ فرقی با هم ندارد و این که گفته شده: مستحب، مجزی از واجب نیست، در جایی است که این دو، از لحاظ ماهیت با هم متفاوت باشند. (طباطبایی، ج ۲، ص ۴۵۵، مستمسک عروة الوثقی، بی تا.)

۵. قول به اجزاء، فتوایی است که مشهور به آن قائل شده است. (شهید ثانی، ج ۲، ص ۱۲۴، اول، ۱۴۱۳ق.)

نتیجه گیری

هرچند در بین اعمال عبادی کودکان، به نماز و روزه بیشتر توجه شده و سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ خود شاهدی بر این مدعاست اما حج کودکان مسأله‌ای است که کمتر به آن توجه شده است.

با این حال، در خصوص حج کودک سه دیدگاه وجود دارد:

(الف) عبادات کودک مشروعیت دارد.

(ب) عبادات کودک حالت تمرینی دارد.

(ج) عبادات کودک صحیح است، اما مشروعیت ندارد.

با توجه به استدلال‌های مطرح شده، نظریه مشهور فقهای شیعه، مبنی بر مشروعیت داشتن عبادات کودک و ثبوت استحباب شرعی برای این عبادات، قابل قبول است؛ زیرا:

۱. عمومات و اطلاقات تکلیف شامل کسانی که به حد بلوغ نرسیده‌اند نیز می‌شود و تخصص یا تقیدی در این عمومات و اطلاقات نسبت به بالغین ثابت نیست، البته تخصص در تکالیف الزامی نسبت به بالغین وجود دارد اما تکالیف استحبابی مختص به بالغین نبوده و کودکان را نیز شامل می‌شود.

۲. عمومات و اطلاقات غیر تکلیفی و مواردی که دلالت بر ترتب ثواب دارند و مواردی که مستقیماً دلالت بر امر کردن کودکان به نماز و روزه دارند و... تأیید می‌کند که عبادات کودکان دارای امر شرعی بوده و مشروعیت و استحباب برای آن ثابت است.

۳. برخی روایات مستقیماً به مشروعیت و استحباب عبادات کودک اشاره دارند. این دسته روایات و روایات دیگری که مستقیماً در آن‌ها به کودک اشاره شده و گونه‌ای قوی‌تر و محکم‌تر مشروعیت عبادات کودک را ثابت می‌کنند؛ زیرا این دسته از روایات دقیقاً به موضوع کودک پرداخته و در همین رابطه صادر شده و در آن‌ها نیاز به اثبات تخصص یا عدم تخصص به بالغین مانند موارد قبلی نیست؛ از جمله این روایات روایت جواز امامت جماعت کودک و نیز امر به اتیان نماز و روزه درباره کودکان می‌باشد.

۴. پذیرفته شدن عبادات کودکان و مشروعیت آن‌ها مطابق با قاعده لطف و مورد پذیرش عقل بوده و برعکس پذیرفته نشدن و عدم مشروعیت خلاف لطف و امتنان است و مستلزم این است که سعی و تلاش کودکان ضایع شده و آن‌ها هیچ پاداشی در این باره دریافت نکنند این مطالب نیز خلاف صریح آیات قرآن و روایات می‌باشند.

۵. همان‌گونه که برخی امور حقوقی کودک؛ مانند صدقه، هبه، وقف و... در مورد کودکان پذیرفته شده و صحیح واقع می‌شود، می‌توان گفت با توجه به دلالت دلایل ذکر شده، عبادات کودکان نیز مورد قبول واقع شده و مشروعیت دارد. قطعاً مکروهات نیز همچون مستحبات از عهده کودک نابالغ ساقط نمی‌شود. پس در خصوص او نیز همچون افراد بالغ اعمال مکروه مکروه است، مگر اینکه موردی وجود داشته باشد که دلیل کراهتش فقط و فقط ویژه افراد بالغ است؛ مثل عشق‌بازی و ملاحظه با همسر در

حالت روزه‌داری به خاطر ترس از انزال، که این مورد کراهتی، حکمش فقط اختصاص به افراد بالغ دارد و کودک نا بالغ را شامل نمی‌شود.

۶. در خصوص حاجی نمودن کودک، باید گفت که استحباب حاجی نمودن او ثابت نشده است اما به نیت رجا جایز است و چنانچه ولی کودک می‌تواند قربانی کند یا روزه بگیرد، حاجی نمودن طفل مستحب است.

۷. در خصوص بلوغ جنسی کودک قبل از احوال‌الموقفین و این که آیا حج وی کفایت از حجة الاسلام وی می‌کند یا خیر، نیز با بررسی آرای فقهای متقدم، متأخر و معاصر امامیه و روایات و احادیث وارده در این خصوص، این نتیجه حاصل شد که در این مسأله میان فقها اتفاق وجود ندارد؛ چرا که گروهی از ایشان چنین حجی را کافی می‌دانند؛ مانند شیخ طوسی و صاحب جواهر. گروه دیگری چون علامه حلی نیز راه احتیاط را پیش گرفته‌اند و قائل به اعاده حج شده‌اند و گروه سوم، نظیر شهید ثانی در تردید مانده‌اند و هر یک برای این قول و نظر خود، دلایلی را آورده‌اند که به‌طور مفصل در فصل چهارم این نوشتار به آن پرداخته‌ایم. فقط آنچه سبب تردید شده، این است که احرام صبی، امری ندبی و مستحبی است. بنابراین، نمی‌تواند تبدیل به فرض واجب شود.

۸. در خصوص احرام کودک باید گفت که محرم نمودن طفل و بردن او به عمره، امری مستحب است ولی واجب نمی‌باشد. در خصوص احرام ائغار (کودکان زیر هفت سال) چنانچه کودک بتواند خودش احرام ببندد، خود این کار را انجام می‌دهد و در غیر این صورت، ولی کودک مکلف است که او را احرام ببندد. اما در خصوص احرام طفل ممیز، با بررسی روایات وارده، این نتیجه حاصل شد که برای کودک ممیز مستحب است که در عمره مفرده، احرام ببندد و عمره او صحیح است اما بعد از آن که طفل محرم شد یا او را محرم کردند، باید ولی او، او را از محرمات احرام بازدارد و اگر ممیز نیست خود ولی او را از محرمات حفظ کند.

کتابنامہ:

۱. قرآن کریم
۲. نہج البلاغہ
۳. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، دانشگاه تهران، تهران، چاپ چہارم، ۱۳۶۶ق.
۴. ابن اشعث، محمد بن محمد، الجعفریات، مکیۃ النینوی الحدیثہ، تهران، چاپ اول، بی تا.
۵. اراکی، محسن، جامع الصبیان، مجلہ میقات حج، شماره ۲
۶. استرآبادی، میرداماد محمد باقر حسین، شارع النجاة فی احکام العبادات، مؤسسۃ دائرۃ المعارف فقہ اسلامی اهل البيت (علیہ السلام)، قم، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
۷. اصفہانی، مجلسی اول، محمد تقی، لوامع صاحبقرانی، ج ۶، ۸ جلد، مؤسسہ اسماعیلیان، قم، دوم، ۱۴۱۴ق.
۸. _____، روضۃ المتقین، مؤسسۃ فرہنگی اسلامی کوشانپور، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
۹. اصفہانی (مجلسی دوم)، محمد باقر بن محمد تقی، ملاذ الأخیار، انتشارات کتابخانۃ آیت اللہ مرعشی نجفی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۱۰. بروجردی، سید مہدی بحر العلوم، مصابیح الأحکام، منشورات میثم تمار، قم، چاپ اول، ۱۴۲۷ق.
۱۱. تمیمی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، دارالمعارف، مصر، چاپ دوم، ۱۳۸۵
۱۲. جمعی از علماء، الاصول الستہ عشر، دارالشبستری للمطبوعات، قم، چاپ اول، بی تا.
۱۳. حائری، سید محمد، مجاہد طباطبائی، المناہل، مؤسسۃ آل البيت (علیہ السلام)، بی تا، چاپ اول قم.
۱۴. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعہ، مؤسسۃ آل البيت (علیہ السلام)، لایحیاء التراث، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۱۵. _____، ہدایۃ الأئمۃ إلى احکام الأئمۃ، مجمع البحوث الاسلامیہ، مشهد، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۱۶. حلّی، حسن بن یوسف بن علی بن مطہر اسدی، منتهی المطلب فی تحقیق المذہب، محقق: مجمع البحوث الاسلامیہ الفقہ، نشر مجمع البحوث الاسلامیہ، مشهد، بی تا.
۱۷. _____، تحریر الاحکام الشریعہ علی مذہب الامامیہ، محقق: بہادری ابراہیم، زیر نظر جعفر سبحانی تبریزی، مؤسسۃ امام صادق (علیہ السلام)، قم، ۱۳۷۸

۱۸. _____، تذکرة الفقهاء، تحقیق مؤسسه آل البيت عليه السلام لاحياء التراث، قم، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
۱۹. خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، مکتبه الاعتمادی، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۳ق.
۲۰. _____، مناسک حج با حواشی مراجع معظم تقلید، نشر مشعر، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۷
۲۱. خویی، ابوالقاسم، موسوعه الامام الخویی، مؤسسه احیای آثار الامام الخویی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۲۲. سبحانی تبریزی، جعفر، الحج فی الشریعة الاسلامیة القراء، ج ۵، مؤسسه امام صادق عليه السلام، ۱۴۲۴ق، چاپ اول، قم.
۲۳. شیرازی، قدرت الله انصاری و پژوهشگران مرکز فقهی ائمه اطهار عليهم السلام، موسوعه احکام الأطفال و أدلتها، ۴ جلد، مرکز فقهی ائمه اطهار عليهم السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
۲۴. صدوق (شیخ)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، جامعه المدرسین، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۲۵. _____، عیون اخبار الرضا، تصحیح سید مهدی حسینی لاجوردی، انتشارات جهان، چاپ اول، ۱۳۷۸
۲۶. طباطبایی، محسن، مستمسک عروة الوثقی، امینیان، قم، بی تا.
۲۷. طباطبایی، سیدعلی، ریاض المسائل، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۲۸. طباطبایی بروجردی، سیدحسین، جامع الاحادیث شیعه، المطبعة العلمیه، ۱۳۸۰ق.
۲۹. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، الاستبصار، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰ق.
۳۰. _____، تهذیب الاحکام، الکتب الاسلامی، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۳۱. _____، المبسوط فی فقه الامامیه، با تصحیح محمدباقر بهبودی، انتشارات مرتضوی، تهران، ۱۳۸۷ش.
۳۲. _____، النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی، انتشارات قدس، محمدی، بی تا.
۳۳. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، مسالك الافهام فی شرح شرایع الاسلام، مؤسسه معارف اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۳۴. عراقی نجفی، محمدعلی، ذخیره العباد، قم، ۱۳۶۸
۳۵. فاضل مقداد، ابو عبدالله، کنز العرفان فی فقه القرآن، مکتبه المرتضویه، تهران، ۱۳۸۴ق.
۳۶. فاضل هندی (اصفهانى)، محمد بن حسن، كشف اللثام، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.

۳۷. فرطوسی حویزی، حسین، التوضیح النافع، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۶ق.
۳۸. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، الشافی فی العقائد و الأخلاق، دار نشر اللوح المحفوظ، تهران، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.
۳۹. قاروبی تبریزی، حسن، النضید فی شرح روضة الشهيد، کتابفروشی داوری، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۴۰. متقی هندی، علاءالدین علی بن حسام الدین، کنز العمال، دارالکتب العلمیه، قم، چاپ دوم، ۱۴۲۴ق.
۴۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مؤسسة الوفاء، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۴۲. محمدی ری شهری، محمد، حج و عمره در قرآن و حدیث، نشر مشعر، قم، چاپ اول، ۱۴۲۸ق.
۴۳. _____، منتخب میزان الحکمه، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث سازمان چاپ و نشر، قم، ۱۳۸۸ش.
۴۴. مدنی کاشانی، حاج آقا رضا، براهین الحج للفقهاء و الحجج، مدرسه علمیه آیت الله مدنی کاشانی، کاشان، چاپ سوم، ۱۴۱۱ق.
۴۵. مسجدی اصفهانی، رضا، مناسک آموزشی حج، انتشارات الحج، چاپ دوم، ۱۴۱۷ق.
۴۶. موسوی عاملی، سید محمد بن علی، مدارک الاحکام فی شرح شرایع الاسلام، مؤسسة آل البيت، لایه التراث، الطبعة الاولى، ۱۴۱۱ق.
۴۷. مازندرانی، محمد هادی بن محمد صالح، شرح فروع کافی، دارالحدیث للطباعة و النشر، قم، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
۴۸. موسوی شاهرودی، سیدمرتضی، جامع الفتاوی مناسک حج (با روش جدید مطابق با فتاوی ده تن از مراجع عظام تقلید)، نشر مشعر، تهران، چاپ سوم، ۱۴۲۸ق.
۴۹. مهدی، ابوالحسن، گزیده متون فقه، نشر میزان، تهران، چاپ ششم، بی تا.
۵۰. نجفی، کاشف الغطاء، حسن بن جعفر بن خضر، کتاب الحج، مؤسسه کاشف الغطاء، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
۵۱. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، بی تا.
۵۲. نراقی، محمد مهدی، مستند الشیعه، مؤسسة آل البيت، مشهد، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۵۳. نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، مؤسسة آل البيت، التراث، بیروت، ۱۴۰۸ق.